

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@afgazad.com

Ideological

مسائل ایدئولوژیک

تتبع و نگارش :

امین الدین « سعیدی – سعید افغانی »

جرمنی - اکتوبر ۲۰۰۹

آداب صحبت

نحوه و طرز صحبت و تکلم انسانها بیانگر نحوه تفکر و شخصیت آنهاست. ما باید بیشتر مثبت بیندیشیم و مثبت بگوییم و انرژی مثبت از خود به دیگران منتقل سازیم.

زبان وسیله ای است که موجب بدبختی و هم موجب خوشبختی انسان را فراهم می سازد. اگر انسان زبان خود را در اختیار داشته باشد و با نیروی تعقل و تدبیر، آن را به کنترل خود درآورد، و در افاده مطلب قبل از گفتن اولاً آنرا هضم کرده و بسنجد، به طور یقین که از بسیاری مفاسد و گناهان درامان خواهد ماند. زبان یکی از اعضای عمده بدن است که منشاء بسیاری از گناهان و انحرافات در انسان شده میتواند. از زبان می توان برای شهادت حق و ناحق، حفظ آبرو و بی آبرویی، دروغ و صداقت، غیبت و سکوت، تهمت و واقعیت استفاده کرد.

انسان بد زبان در نظر دیگران متنفر است و همگان از نیش زبان بد زبان فرار و کناره جویی می کنند. با این وصف، سعادت انسان در گرو آن است که از سر زبان به خدا پناه ببرد و آن را به کنترل خود درآورد. زبان وسیله و ابزاری است که اگر برای خیرونیکي استفاده گردد شخص را حفظ کرده به بهشت می رساند و اگر همین زبان برای شرویدی استفاده گردد، انسان را به هلاکت و نابودی می کشاند. بنابر اهمیت که زبان در شخصیت انسان دارد، پروردگاریا عظمت ما در (آیه ۳۲ سوره احزاب در خطاب به همسران پیامبر اسلام محمد صلی الله علیه و سلم میفرماید : « باصدای نرم به گونه هوس انگیز سخن نگویند که بیمار دلان در شما طمع کنند (بلکه) بر خوبی و شایستگی سخن بگویند » .

سخن گفتن بهترین، آسان ترین و عمومی ترین وسیله ارتباط بین انسان ها به شمار میرود. انسان با ید همه سعی و تلاش خویش را به خرج دهد تا در اولین برخورد از این نعمت بزرگ الهی بهره خوب و سالم ببرد. میتوان گفت که سخن گفتن حد اقل دو بعد (بضم ب) زیبایی دارد، یکی محتوا و مفهوم سخن دیگری آرایه و ظاهر سخن. یک سخن گو در صورتی که سخنش از محتوای خوب برخوردار باشد، سخن پسندیده بگوید، در یک بعد (بضم ب) زیبایی خواهد داشت و اگر افزون بر محتوا آرایه زیبا هم داشته باشد در دو بعد (بضم ب) زیبایی را رعایت کرده است.

قرآن که کلام پروردگار با عظمت است در هر دو بعد در کمال زیبایی قرار دارد. بنابر همین منطق است که قرآن را (احسن الحدیث) یعنی زیباترین کلام مسمی نموده اند. « و الله نزل احسن الحدیث کتابا متشابها » خدای سبحان زیباترین سخن را فرود آورد، کتابی که آیات با یکدیگر همانند و نظارت دارند (قرآن که خود زیباترین کلام است به دیگران هم رهنمود می دهد که در سخن گفتن سخن زیبا و زیبا سخن باشید) « و قولوا للناس حسنا » (با مردم به نیکی سخن بگویند ، و سخن نیک بگویند : قل لعیادی یقول التی هی

احسن ان الشيطان ينزغ بينهم) (به بندگان من بگو همواره نیکوترین سخن را بگویند، شیطان آن ها را و دار به گفتن سخن بد نکند که موجب نزاع و دشمنی شود).

قرآن کریم در هیچ حالتی و در هیچ شرایطی اجازه نمیدهد که مسلمان سخن بی محتوا و بدی را بزربان آرد . قرآن عظیم الشان در بحث و ملاقات با بی دین ها هم اجازه نمی دهد که یک مسلمان به آنها حرفی بدی به زبان آرد . «**ولا تسبوا الذین یدعون من دون الله فیسبوا الله عدوا بغير علم**» (بآن که غیر خدا را می خوانند سخن به زشتی نگشایید، تا آنان نیز را از روی نادانی به خدا سبحان سخن بدی بزربان ارند) . پیامبر بزرگوار اسلام محمد صلی الله علیه وسلم نمونه کامل تجلی این هنر و ادب است .

زبان:

طوری که که گفته آمدیم «**زبان**» یکی از اعضای برجسته ترین عضو بدن بشمار میرود، و قرآن عظیم الشان با ظرافت خاصی میفرماید :

«**الم نجعل له عینین . و لسانا و شفقتین**» (آیا دو چشمش ندادیم، و زبانی و دو لب) (سوره بلد آیات ۸ و ۹) و باز در آیه : ۱۰ همین سوره میفرماید : «**و هدیناه النجدین**» (و هر دو راه [خیر و شر] را بدو نمودیم)، فهم این آیات متبرکه برای ما انسانها می فهماند که زبان یکی از ابزار هدایت بشمار میرود .

ولی ما انسانها به این نعمت الهی به سادگی نظر می اندازیم ، همانطوریکه که گفته شد زبان عضو مهمی بدن انسان که همه روزه با تمام قوت از استفاده بعمل می آوریم .

زبان ، دنیایی بسیار پر رمز و راز دارد که هر چه بیشتر در مورد آن مطالعه و تعمق می کنیم، بیشتر به حساسیت آن پی می بریم .

"زبان همچون دیگر اعضای بدن، هدیه الهی بشمار میرود. زبان یکی از مهمترین راههای شکر گذاری بشمار میرود .

کاش ما انسانها به مرحله ای برسیم که زیانمان باعث بدست آوردن دل های دیگران شود نه اینکه با زخم زبان، باعث رنجش دیگران شویم. باید از این نعمت الهی استفاده درست کردن از آن را یاد بگیریم .

زبان وسیله بیان تفکر:

همان طوریکه گفته شد، زبان یکی از مهم ترین وسیله ای ارتباطی میان ما و جهان پیرامون مان بشمار میرود . ما برای برداشتی اصولی و درست از روابط ما به جهان ماحول خود بدان ضرورت داریم .

نقش اساسی زبان را همین تامین رابطه بین انسانها تشکیل میدهد. ما عمدتاً به همین زبان خویش می توانیم که کلتور و فرهنگ خویش را به مردم جهان معرفی و تشریح نمایم . و توسط همین زبان هم میتوانیم از کلتور و فرهنگ و از حقوق خویش دفاع نمایم .

زبان وسیله بیان تفکر است و اکثراً برای انتقال افکار یک انسان به انسان دیگری به کار گرفته میشود. یعنی زبان وسیله افهام و تفهیم است. این افهام و تفهیم و انتقال افکار ممکن است به وسیله گفتن، نوشتن، اشاره و یا لمس انجام شود. پس هر چه وسیله انتقال فکر، یعنی زبان، ساده و ازجانب دیگر دقیق تر باشد، عمل انتقال فکر دقیق تر و راحت تر صورت خواهد گرفت .

یکی از تفاوت های اساسی بین انسانها و دیگر حیوانات نیز همین زبان است. انسان حیوانی ناطق می باشد و قدرت تکلم را که پروردگار برای ما انسان اعطا فرموده است ، یکی از عوامل و امتیاز عمده و اساسی برتری انسان بر حیوان می شود .

زبان وسیله برقرار کردن ارتباط انسان ها با یکدیگر است .

زبان توتی گوشتی است که به هر سمتی آن را بچرخانیم و با هواء فشار دهیم به همان سمت می چرخد. بر ما انسانها است تا بر آن کنترل لازم و دقیق و کامل داشته باشیم، در غیر آن همین توتی کوچک گوشتی اگر بطور دقیق تحت کنترل قرار نگیرد. انسان را به مصیبت های بزرگی مبتلاء خواهد ساخت .

مثل مشهور در زبان پشتو بین مردم ما وجود دارد که میگویند : **خپله خوله دی هم کلا ده هم بلا . واقعاً همین زبان انسان که برای انسان عزت نصیب می نماید و در صورت عدم قبضه بدان همین زبان موجب بلا های زیادی برای انسان میگردد .**

دین اسلام هر گونه گفتار و عملی را که لطمه به آبرو، حیثیت و شخصیت افراد جامعه بیار آرد ، نه تنها منع نموده بلکه آنرا از بزرگترین گناهان بشمار آورده است .

در قرآن عظیم الشان و سنت پیامبر بزرگوار اسلام در رعایت این امر تأکید بیشتر صورت گرفته است . به همین دلیل هم است که غیبت ، دروغ ، توهین ، تحقیر ، سخن چینی ، افشاگری ، استهزا ، سرزنش ، دست انداختن و مسخره کردن دیگران، شهادت کذب و غیره بطور مطلق در دین مقدس اسلام حرام گردیده است .

همه انبیاء و بخصوص پیامبر اسلام محمد صلی الله علیه وسلم در عمل به اثبات رسانیده است که موعظه حسنه با زبان نرم و منطقی محلل بسیاری از مشاغل است .

زبان می تواند مشکلات فراوانی را از سر راه ما انسانها دور سازد. انسانها در تجربه دریافته اند که زبان نرم و نیکو می تواند باعث پیوند دو قلب رنجیده از هم شود.

در قرآن عظیم الشان بیشتر از ۲۰ مرتبه از کلمه «لسان» و مشتقات آن که در عربی به معنای «زبان» است، استفاده بعمل آمده است.

قرآن کریم در بعضی جاها از زبان به عنوان عضو و ارگانی در بدن انسان یاد می کند و در جایی از آن به عنوان وسیله ای جهت هدایت انسان ها و یا از تنوع زبان به عنوان نشانه الهی که باعث شناخت است ذکری بعمل آورده است.

بطور مثال قرآن عظیم الشان در سوره قصص به تاثیر نفوذ کلام اشاره مینماید. در این داستان آمده است که :
از جمله اولین در خواست موسی علیه السلام پس از مبعوث شدن به رسالت، برای موفقیت در انجام مسوولیت خویش، فهم زبان را مطرح می سازد. « و احلل عقدة من لساني. يقفوها قولي » (طه آیات ۲۷-۲۰-۲۸) (و از زبانم گره بگشای، تا سخنم را بفهمند.) و باز میفرماید :

« واخی هارون هو افصح منی لسانا فارسله معی رداء یصدقنی انی اخاف ان یکذبون) (قصص ۳۴)

(و برادرم هارون که از لحاظ بیان و فصاحت کلام بر من برتری دارد پس استدعا دارم او را برای تصدیق و تائید من همراه من بفرست چون که بیم دارم که مرا تکذیب کنند و من از عهده پاسخگویی بر نیامم).

در برخی از آیات قرآنی به این اشاره شده که در حقیقت صحبت کردن به زبان مردم، باعث فهم بیشتر می شود و در قرآن عظیم الشان آمده است که علت نزول قرآن به زبان عربی که زبان معمول مردم آن زمان بوده است، آن است تا آن را فهمیده و در جملات آن به تفکر پردازند. « فانما یسرناه بلسانک لعلمهم یتذکرون » (دخان ۵۸).

« (ای پیامبر) ما قرآن را به زبان مادری تو (که زبان عربی است) بیان فرمودیم تا آسان باشد و مردمان معانی را درک کنند و پند بگیرند».

و باز قرآن عظیم الشان در (آیه ۱۲ سوره احقاف) میفرماید : « ومن قبله کتاب موسی اماما ورحمة وهدا کتاب مصدق لسانا عربیا لینذر الذین ظلموا وبشری للمحسنین » (و پیش از آن، کتاب موسی که هدایت و رحمت بود و این قرآن مصدق تورات است و به زبان عربی ساده بیان فرموده شده و مقصد آنست که ستمکاران را هشدار و نیکوکرداران را بشارت دهد»).

و یاهم همین مفهوم در (آیه ۴ سوره ابراهیم) چنین بیان گردیده است : « وما ارسلنا من رسول الا بلسان قومه لیبین لهم فیض الله من یشاء ویهدی من یشاء وهو العزیز الحکیم » (ما هیچ پیامبری را جز اینکه به زبان قومش تکلم کند به پیامبری مبعوث نکردیم تا بتواند حقایق و مطالب دین را برای آنها به خوبی شرح دهد. پس خداوند هر کس را مصلحت بداند در گمراهی و او می نهد و هر کس را مصلحت بداند هدایت می فرماید و اوست آن بی همتا قدرتمند منشا حکمت).

در سوره قیامت به پیامبر هشدار داده شده که از صحبت کردن با عجله و بدون فکر و قبل از این که کلمات وحی به اتمام رسد، پرهیزند. (لا تحرك به لسانک لتعجل به قیامت ۱۶) (ای پیامبر) وقتی که آیه در حال نزول است شتابزده آن را بر زبان جاری نساز (بگذار تا مطمئن شوی که آیه را بطور کامل شنیده ای).

در قرآن عظیم الشان در سوره (احزاب آیه ۱۹) از استفاده زبان برای حرفهای نیش دار و تلخ یاد شده و علت آنرا، حسودی معرفی داشته چنین میفرماید : «اشحة علیکم فاذا جاء الخوف رایتهم ینظرون الیک تدور اعینهم کالذی یغشی علیه من الموت فاذا ذهب الخوف سلقوکم بالسنة حداد اشحة علی الخیر اولنک لم یومنوا فاحبط الله اعمالهم وکان ذلک علی الله سیرا » (آنها نسبت به شما حسودند، اما چون خطری نزدیک شود چشمانشان از ترس مانند کسی که مرگ به سراغش آمده در حدقه می چرخد و به تو (ای پیامبر) برای کمک نگاه می کنند و چون خوف خطر دور شود با زخم زبان به شما مومنان حمله می کنند و آنها بر مال دنیا حریص هستند و آنان کسانی هستند که ایمان نیاورده اند و خدا اعمالشان را تپاه گردانیده و این کار بر خداوند بسی آسان است).

همچنان در (سوره ممتحنه آیه ۲) آمده است : « ان یتفقوکم یکنوا لکم اعداء ویبسطوا الیکم ایدیهم و السنتهم بالسوء وودوا لو تکفرون » (آنها اگر بر شما دست یابند خصمانه با شما رفتار می کنند و دست و زبان به دشمنی علیه شما می گشایند و خیلی مشتاقند که شما را به کفر و کافری بکشانند).

پروردگار ما برای استفاده سالم از زبان و اینکه آنرا به دروغ عادت ندهیم و حلال اسلام را توسط زبان برای مردم حرام ، و حرام اسلام را برای مردم حلال اعلام نداریم چنین هدایت میفرماید :

« ولا تقولوا لما تصف السنتکم الکذب هذا حلال وهذا حرام لتفتروا علی الله الکذب ان الذین یفترون علی الله الکذب لا یفلحون » (نحل ۱۱۶) (از گفتن حرفهایی بی اساس که زبانهایتان عامل شیوع آن هستند اجتناب کنید و نگوئید این حلال است و آن حرام تا حکمی نادرست را به خداوند نسبت دهید، کسانی که بر خداوند دروغ می بندند روی رستگاری را نخواهند دید).

قرآن عظیم الشان برای مسلمانان هشدار میدهد که نباید از زبان استفاده نادرست صورت گیرد ، زیرا روزی آمدنی است که، و همین زبان بالای شما شاهدی خواهد داد : « یوم تشهد علیهم السنتهم وایدیهم وارجلهم بما کانوا یعملون»

(در آن روز که زبانه‌ها و پاهایشان علیه آنان در باره اعمالی که مرتکب شده اند شهادت می دهند) (نور ۲۴)

حرف زدن را باید از کلام پروردگار آموخت:

در مسأله همنشینی باید جامع‌نگر بود. نه زاهد نمای و ریاکار و نه مانند کسانی که فاقد عفت در کلام باشند. هیچ یک؛ همنشینان خوب، مثبت و سازنده‌ای نیستند. البته در حد ضرورت با همه آنها میتوان سر و کار داشت؛ لیکن برای دوستی و معاشرت باید بهترین‌ها را انتخاب کرد.

اگر قرار باشد که انسان بهترین سخنگوی و صاحب بهترین فصاحت کلامی باشیم، باید فن، آداب و فصاحت کلام را باید در کلام الهی یعنی قرآن عظیم الشان و گفتار پیامبر اسلام محمد صلی الله علیه و سلم جستجو نماید. کلام الهی از آن جهت دارای اهمیت است که این کلام مهمترین نقشی را در سعادت و شقاوت انسان بجاء آورده میتواند.

خود قرآن عظیم الشان کلام خویش را زیبایی خاصی با لفظ بیان زیبایی چنین معرفی داشته و میفرماید: « **هذا بیان للناس** » (آل عمران آیه: ۱۳۸) گر چه کلمه « **بیان** » مفهومی وسیعی را در بر میگیرد و بر هر چیزی که مبین مقصود و مراد انسان باشد اطلاق می شود، خواه سخن باشد یا کتابت و یا هم اشاره باشد. ولی هدف اساسی و عمده آن کلام و سخن است. به همین بنیاد است که: که در آن به آداب سخن گفتن اشاره بیشتری نسبت به خط و کتابت نموده است.

هستند از انسانهای که کلام و سخن زدن را مسأله ساده‌ای می شمارند، ولی اگر به فهم سخن زدن و صحبت کردن کمی تعمق کنیم در خواهیم یافت که این امر از پیچیده‌ترین و ظریف‌ترین اعمال انسانی بشمار رفته که باید دقت تام در مورد آن صورت گیرد.

کلامی که جوابش ناخوشایند است نباید گفت:

طریقه صحبت کردن خوب و منطقی موجب آن میگردد که شما تاثیری خوبی و موثری بر جانب مقابل بگذارید و از اعتبار خوبی در بین جامعه خویش بر خورد دار گردید. **ولی کلامی که جوابش شما را ناراحت می سازد از گفتن آن صرف نظر کنید.**

علماء کلام بدین باوراند که کوشش کنید برای صحبت خویش مقدمه مختصری پیش بینی کنید، کوشش کنید اظهار مقدمه شما چنان دارای محتوا باشد که شنونده هدف شما را درک نماید. در مقدمه صحبت باید چنان سبک و مهارتی بکار گرفت شود که در ختم مقدمه جانب مقابل جلب و در نهایت امر جذب گردیده و کلام شما تاثیری خوبی در او بجاء گذارد. مطالبی که بیان میگردد باید مرتبط با یکدیگر باشند، نه این که در مقدمه به نکاتی پرداخته شود که در آخر بحث، هیچ نتیجه‌ای از آنها گرفته نشود.

در حین صحبت کردن کوشش کنید ارتباطی میان خود و شنونده ایجاد کنید، تا در بین شما موج مثبتی ایجاد شود و فضای دلنشین و مطلوبی بین شما و شنونده و مجموع گفتار شما بوجود آید. همیشه کوشش کنید که در حین صحبت کردن مؤدب و با نزاکت باشید.

هیچگاه به کسی دشنام ندهید!

دشنام دادن در شرع اسلامی بصورت مطلق ممنوع است، اگر شما بجای صحبت کردن برای دیگران آغاز به دو زدن و ناسزا کنید مطمئن باشید که امکان ابراز نظر خویش را از دست میدهد، و وضع چنان پیش می آید که حتی از صحبت کردن نورمال هم باز می مانید.

قرآن عظیم الشان ما مسلمانان را از دو زدن و ناسزاگفتن منع فرموده و آنرا مورد نهی قرار داد است. « **ولا تسبوا الذین یدعون من دون الله فیسبوا عدوا بغير علم** » (سوره انعام، آیه ۱۰۸) (آنان که جز خدا می خوانند دشنام مدهید که آنان از روی دشمنی و به نادانی خدا را دشنام می دهند).

در روایتی آمده که پیامبر اسلام به صحابه کرام فرمود که به والدین خویش دشنام ندهید. پرسیدن چطور به والدین خویش دشنام میدهیم. فرمودند: همینکه به والدین کسی دشنام میدهید مانند اینکه به والدین خویش دشنام داده آید.

کنترول آواز در حین صحبت:

هنگامی که با دیگران مصروف صحبت هستید، حد اعظمی کوشش بعمل آورید تا صدای شما از حد معمول بلند نشود، در صورتیکه صدای شما بلند باشد این عمل باعث بالا رفتن سطح استرس میان شما و جانب مقابل، میان شما و شنوندگان و حتی شخص خود شما میگردد. بلند صحبت کردن بیانگر و نشانه عمده آن است که شما قادر به بحث منطقی با دیگران نیستید و عجز شما را در استدلال معقولانه نشان می دهد و شنوندگان به این نتیجه میرسند که شما میخواهید مطلبی خویش را با توسل به زور و خشونت به کرسی بنشانید.

پیامبر بزرگوار اسلام محمد صلی الله علیه وسلم آرام و آهسته گپ می زد و هیچ وقت چیغ نمی زد و صدا خویش را بلند نمی کرد. و حتی مجالس آن حضرت نیز از چنان آرامشی برخوردار بود. سایرین هم در مجالس پیامبر صلی الله علیه وسلم به آواز بلند صحبت نمی کردند. «و اغضض من صوتک» و دستور هم همین بود که کسی صدایش را بالاتر از صدای رسول الله نکند «لاترفعوا اصواتکم فوق صوت النبی» و چون خود پیامبر آهسته و آرام سخن می گفت لذا مجلسش بسیار آرام و باوقار بود و تاثیر بسزای به صحابه خویش داشت.

کنترل بر اعصاب در حین صحبت:

در حین صحبت کردن اگر شما کنترل اعصاب خود را از دست دهید، مطمئن باشید هدف که برای صحبت خود تعیین نموده اید، به دست نخواهید یافت.

در صورتیکه شما کنترل احساسات و هیجانات خود را از دست دادید مطمئن باشید که احساسات دیگران را جلب نخواهید کرد. کوشش کنید در حین صحبت همیشه خونسرد و آرام باشید، میدانم که کنترل اعصاب در برخی از موارد بخصوص در مقابل برخی از انسانها، کاری ساده و آسانی نیست. ولی یقین داشته باشید، که به زحمتش می ارزد.

در حین صحبت کردن به دیگران آبرو کک و چشمک نزنید:

در حین صحبت با دیگران یکسره به یکنفر خیره نشوید واز آبرو زدن و چشمک زدن باید جلو گیری کنید. بخاطر اینکه این نوع از حرکات شما نوعی تعرض به دیگران محسوب می گردد. شما که نمی خواهید بی جهت دیگران را مرعوب خود سازید؟

پیامبر صلی الله علیه وسلم در هنگام سخن گفتن، به همه افراد مجلس بطور یکسان نگاه می کرد. «و کان یساوی فی النظر والاستماع للناس» باید ما هم در حین صحبت و ملاقات ها این نقطه را جداً در نظر داشته باشیم که باید یکسان و مساوی در حال حرف زدن به این طرف و آن طرف نگاه کنیم، زیرا این نکته ظریف اخلاقی است که در نگریستن به افراد (هنگام صحبت کردن) انسان فرقی بین این و آن نمی گذارد و همه را به یک چشم می بیند. پیامبر اسلام شخصیت بود: «و کان یجالس الفقراء و یواکل المساکین» (او نه تنها با مالداران و دارایان مجالست می کرد بلکه با فقرا و مساکین نیز همنشین بود).

حتی در روایات اسلامی آمده است که پیامبر اسلام از نشستن با فقرا بیشتر لذت می برد و اگر با ثروتمندان می نشست به خاطر هدایت کردن آنان بود نه روی هدف دیگری.

صحبت جانب مقابل را قطع نکنید!

پیش از آنکه اظهار عقیده ای بکنید، اجازه دهید صحبت دیگران به پایان برسد. میان صحبت کسی نه پرید، پریدن نشانه بی نزاکتی و عدم برخورداری از مهارت های اجتماعی بحساب می آید. اگر نمی خواهید خودبین و از خود راضی به نظر آید، هیچگاه صحبت کسی را قطع نکنید و هرگاه ناچار به انجام این کار شدید، گفتن جمله «معذرت می خواهم» را از یاد نبرید.

مؤدب بودن به مفهوم آن است که برای موقعیت، عقاید و احساسات دیگران احترام قائل شویم. پیامبر صلی الله علیه وسلم «لا یقطع علی احد کلامه» هرگز سخن کسی را قطع نمی کرد و تا شخصی مشغول سخن گفتن بود، به او خوب گوش می داد و پس از تمام شدن سخنش آرام بجوابش می پرداخت.

پیامبر صلی الله علیه وسلم چنان اصحابش را تربیت کرده بود که هرگاه لب مبارکش به سخن او می شد، تمام حاضران ساکت می شده و سراپا گوش می شدند. و هرگاه سخن آنحضرت تمام می شد بدون آنکه سخنانشان با هم تزاخم کند، با هر یک به نوبت حرف می زد.

رسول الله (صلی الله علیه و آله) سخنش عمیق و با محتوا و انبیا و زیبا، سنجیده، به مورد، موجز و رسا بود. اضافه گویی و کاستی در سخن او جای نداشت «و کان رسول الله (صلی الله علیه و آله) یتکلم بجوامع الكلم لا فضول و لا تقصیر» پیامبر صلی الله علیه وسلم از کلام بیهوده می پرهیزد: (کان رسول الله (صلی الله علیه و آله) یخزن لسانه الا عما ینبیه) (آداب سخن را کاملاً رعایت می کرد. و حتی با کسی سخن را به پایان نمی برد تا آن که طرف پایان ببرد: ما فإوضه احد فی حاجة او حدیث فانصرف حتی یكون هو الذی ینصرف مانازعه احد قط لحدیث فیسکت حتی هو الذی یسکت) سخن را ادامه می داد تا طرف از ادامه آن صرف نظر کند.)

پیامبر اسلام شمرده و آرام سخن می گفت (اذا تکلم تکلم وترا) (او در گفتار صراحت لهجه و صدق در سخن داشت)، (اصدق الناس لهجة) در سخن گفتن سطح درک و فهم مخاطب را در نظر می گرفت: انا معاشر الانبیاء امرنا ان نكلم الناس علی قدر عقولهم او شیرین سخن بود در عین حال که سخن عمیق و زیبا و حق می زد، مزاق میگرد ولی در همان مزق اش هم به غیر از حق سخن نمی گفت: پیامبر اسلام فصیح ترین سخن را داشت و لحن سخن او جالب و جاذب و شیرین بود. با صدای کوتاه سخن می گفت کسی را با سخن خویش نمی رنجاند: .

احترام به دیگران:

شما باید همانطور که دوست دارید مورد احترام دیگران قرار بگیرید ، خودتان نیز به دیگران احترام بگذارید. متأسفانه جوانان امروزی ما طوری تصور میکنند همه چیز را می دانند و از همه چیز باخبر هستند و به اصطلاح خود را عقل کل می دانند اما همیشه وضع چنین نیست .

عدم تمسخر به اشتباهات دیگران:

خنده کردن به دیگران یکی از بدترین حرکاتی است که انسان آنرا انجام میدهد . هنگامی که شما اشتباهی مرتکب می شوید یا خرابکاری می کنید، تنها انتظاری که از دیگران دارید اینست که اشتباهات و خطاهای شما را به رویتان نیاورند و از آنها چشم پوشی کنند. از آن مهمتر شما را به واسطه آنها مورد تمسخر قرار ندهند.

وقت شناس باشید:

مهمترین نقطه که در یک ملاقات بخصوص ملاقات های دیپلماتیک مهم و اساسی است همانا شناخت وقت است . باید کوشش بعمل آید تا مطابق پرتوکول از وقت تعیین شده صحبت اضافی بعمل نیاوریم . عدم مرعات وقت در روابط دیپلماتیک موجب بی نزاکتی های دیپلماتیک میگردد . ما باید احترام وقت دیگران را داشته باشیم .

در ملاقات ها باید مطابق وقت موعده به جلسه و یا محل قرار ملاقات ها، حاضر شویم تاخیر در رسیدن به وقت ملاقات از اهمیت شما و از اهمیت صحبت تان می کاهد.

حفظ اسرار شخصی در حین صحبت:

آبرو، شرافت، صداقت و بصیرت بزرگترین و مهمترین عامل برای حفظ اعتبار يك فرد بشمار میرود . جزئیات زندگی شما باید محرمانه باقی بمانند، کوشش نکنید چیزی ضرورت آن دیده نمیشود که به دیگران گفت آن را نباید گفت .

عدم فخر فروشی:

کوشش کنید که در حین صحبت کردن لاف نزنید ، طوریکه میدانید دنیا امروزی انسان لافوک را خوش ندارد . افتخار به آبا و اجداد ، قوم و نصب خوب است ، ولی آنرا نباید به روی مردم گشید .

عدم دیدن به ساعت بطور متواتر:

هنگامی که در محفلی نشسته باشید ، و یا هم با کسی ملاقات داشت باشید و یا هم مصروف صحبت باشید نباید به ساعت خود نگاه کنیم ، مگر در حالتیکه بلافاصله قصد ترك آن محل را داشته باشید. اگر انسان در حین ملاقات متداوماً به ساعت خود نگاه کند ، برداشت جانب مقابل از این حرکت اینست که : شما دیگر از صحبت کردن و ملاقات خسته و بی حوصله شده اید و نمی خواهید دیگر صحبت جانب مقابل را استماع کنید . این عمل در عرصه دیپلماتیک مفاهیم خوبی ندارد. شخص مقابل حاضر نمیشود دیگر با شما ملاقات کند. این حرکت ها زیاتر وقت موجب سردی روابط بین البلدین هم میگردد.

در حین صحبت طف دهن را باید در کنترل داشت:

هست موارد که حین صحبت کردن تف دهان بعضی انسانها باد میشود . باید تلاش کرد که چنین نه شود. این حالت سبب اذیت شنونده و مقابل میگردد و مناسب نیست.

در صحبت کردن گرفتن فاصله ، کنترل آب دهن ، و بوی دهن مهم بوده و تأثیری خوبی به جانب مقابل می گذارد. توجه به نظافت دهن قبل از ملاقات امر کاملاً ضروری و خوب است.

در روایات اسلامی آمده است که : هرگاه پیامبر صلی الله علیه وسلم میخواست به مجالسی حاضر شود، و ملاقاتی با مردم داشت، خود را طبق موازین اسلامی آرایش می داد، موهای خود را شانه می زد و حتی چنین روایاتی هم است که «و کان ينظر فی المرآه و يتمشط» پیامبر صلی الله علیه وسلم نه تنها لباس پاک و نظیف و مرتب می پوشید بلکه محاسن مبارك اش را شانه می زد . همیشه خوش بوی و عطر استعمال میکرد . پیامبر صلی الله علیه وسلم خوش بو ، بود و بوی خوشش دوست و دشمن را بخود جذب می کرد . خود پیامبر اسلام میفرماید : «ان الله يحب من عبده اذا خرج الی اخوانه ان يتهيأ لهم و يتجمل» خداوند دوست دارد که بنده اش هرگاه می خواهد با برادرانش ملاقات کند، خود را آماده کند و برای آنها آرایش نماید .

فن تاثیر صحبت با دیگران

در این بخش روی نکاتی تماس خواهیم گرفت، تا حد امکان با رعایت آن ما فرصت خواهیم یافت تا در صحبت های تاثیر مثبت را به شنونده خود بعمل آورده باشیم.

خواننده محترم!

طوری‌که قبلاً تذکر یافت در قرآن عظیم الشان و احادیث نبوی برای سخن گفتن و کلام آدابی مطرح شده که با رعایت این آداب، امکان آنرا به انسان مساعد می‌سازد تا، در صحبت‌های تأثیر صحبت مثبت را ملاحظه نماید. اولین نقطه در این تأثیر گزاری موضوع فصاحت کلام مطرح بحث است.

فصاحت کلام:

در حدیث شریف آمده است: «**الفصاحة زينة الكلام**، فصاحت زینت زبان و کلام است و به اصطلاح فصاحت زبان و کلام را زینت می‌بخشد.

فصاحت: در لغت به معنی خلوص چیزی را می‌گویند. و در اصطلاح، کلام فصیح عبارت از کلامی است که عاری از انواع تعقیدات باشد. هرگاه کلام که از تنافر حروف، غرابت حروف، کراهت در سمع خلاف قیاس صرفی، تنافر کلمات مجتمع و ضعف تألیف عاری باشد، گفته می‌توانیم که فصاحت کلام بوجه احسن آن حاصل گردیده است..

هرگاه متکلم و گوینده دارای ملکه‌ای باشد که بتواند هدف خویش را به خوبی و با رساترین تعبیر ادا کند، فصیح نامیده می‌شود. و کلامش در مخاطب اش دارای تأثیر است.

در قرآن عظیم الشان در داستان موسی علیه السلام به موضوع فصاحت کلام چنین اشاره بعمل آمده است. زمانیکه موسی علیه السلام برای ماموریت الهی توظیف می‌گردد. موسی علیه السلام از پروردگار خود می‌طلبد تا برادرش هارون را جهت فصاحت کلامش که پروردگار نصیب او فرموده است، بحیث همکاری توظیف فرماید. «**و اخي هارون هو افسح مني لسانا فارسله معي**» (قصص، ۲۸ / ۳۴) (برادرم هارون از من زبان فصیحتری دارد. پس او را با من منحیث دستیار و همکارم یکجا گسیل بدار).

علماء بدین عقیده اند که **(بهترین سخن آن است که گوش را اذیت نکند و فهم را به زحمت نیندازد)** (مقام و منزلت فصاحت در کلام تا حدی است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرموده است: «**جمال الرجل فصاحة لسانه**، جمال مرد رسایی زبانش می‌باشد.

بلاغت: دومین نقطه در تأثیر گزاری کلام، بلاغت کلام است. بلاغت در لغت به معنای وصول و انتهایست؛ و در اصطلاح عبارت است از مطابقت کلام با مقتضای (مقتضی) حال و مقام، به طور مثال در مقام تأکید، ایجاز و یا اطناب سخن، رعایت هر یک را بنماید.

بسیاری از ناهنجاری‌های سخن ناشی از عدم رعایت موقعیت کلام است. در (سوره نسا آیه: ۶۳) درباره منافقین آمده است: «**فاعرض عنهم و عظ هم و قل لهم في انفسهم قولا بليغا**» از آنان روی بر تاب و پندشان ده و با آنها سخن رسا بگویی.

بلاغت در سخن حتی شامل پرهیز از سوال نامناسب هم خواهد شد، در آیه ۱۰۱ سوره مانده می‌خوانیم: «یا ایها الذین آمنوا لا تسألوا عن اشیا أن تبدلکم تسوکم» «ای اهل ایمان از چیزهایی که اگر برای شما آشکار گردد شما را اندوهناک می‌کند مپرسید.

از امام علی علیه‌السلام نقل شده که فرموده: **لا تتکلمن اذا لم تجد الکلام موقعا (4)** البته نباید هنگامی که برای کلام زمینه نیست سخن گفت.

اقتضای بلاغت در سخن آن است که محدوده کلام نیز به تناسب موقعیتهای رعایت گردد.

در کلام امام علی علیه‌السلام آمده است: **الکلام کالدوا قليله ینفع و کثیره قاتل (5)** سخن همچون داروست، اندکش سود می‌بخشد و فراوانی آن کشنده است.

حفظ نرمی و ملایمت زبان: سومین نقطه در تأثیر گزاری کلام، مراعات کردن نرمی و ملایمت کلام است، کلامی که نرم و ملایم باشد تأثیر قوی بر جانب مقابل می‌گذارد. تأثیر لحن ملایم تا بدانجاست که خداوند به موسی و هارون می‌گوید: «**قوله له قولا لینا لعله یتذکر او یخشی**» (سوره طه آیه ۲۰ / ۴۴) (با او سخنی نرم گویند شاید که پند گیرد یا بترسد).

رمز موفقیت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم علیرغم نبود امکانات وسیعی در فن نرمی کلام و ملایمت نهفته بود:

«**فیما رحمة من الله لنت لهم ولو كنت فظاً غلیظ القلب لا نفصوا من حولك**» (آل عمران آیه ۱۵۹) (پس به برکت رحمت الهی با آنان نرمخو شدی و اگر سخت دل بودی قطعاً از اطرافت پراکنده می‌شدند).

سدید بودن کلام: چهارمین نقطه در تأثیر گزاری کلام، سدید بودن کلام است، این بدین معنا است هر چه که کلام انسان با عقل و منطق و استدلال بیشتر استوار باشد میزان استحکام آن بیشتر خواهد بود. هر چه استحکام کلام بیشتر باشد ثبات و بقا آن بیشتر خواهد بود. اصولاً قرآن به دلیل آنکه سخنش با عقل همانگ است و با با فطرت، از استحکام و استقامت خاصی برخوردار است. قرآن عظیم الشان در سوره احزاب آیه ۷۰ و ۷۱ در مورد سدید بودن کلام چنین می‌فرماید:

« یا ایها الذین آمنوا اتقوا الله و قولوا قولا سديدا. يصلح لكم اعمالکم و يغفر لکم ذنوبکم » (ای مؤمنان از خدا پروا دارید و سخنی استوار گویید تا اعمال شما را به اصلاح در آورد و گناهانتان را ببخشد.) گویا از آثار سخن محکم، اصلاح اعمال و تطهیر انسان از گناه خواهد بود.

سهل و آسان بودن کلام: پنجمین نقطه در تاثیر گزاری کلام، سهل و آسان بودن کلام است. به هر اندازه که کلام انسان ساده و آسان باشد به همان اندازه فهم و تاثیر آن بجانب مقابل و شنونده سهل و آسان است.

قرآن عظیم الشان در سوره ص آیات (۸۶ / ۳۷) میفرماید: « **قل ما اسألكم علیه من اجرو ما انا من المتكفین** ».

(بگو من مزدی بر رسالتم از شما طلب نمی‌کنم و اهل تکلف و تصنع نیستم.) همچنان در حدیث پیامبر اسلام آمده است که میفرماید: « **نحن معاشر الانبیاء و الاولیاء برأ من التكلف** » (ما گروه انبیا و اولیا از تکلف و زحمت بیزاریم.

از آداب سخن آن است که همراه با سهولت و آسانی باشد. قرآن، خود را به این صفت، موصوف کرده، و میفرماید:

« و لقد یسرنا القرآن للذکر فهل من مدکر » (سوره قمر، آیات ۴۰ / ۵۴) (و قطعاً قرآن را برای پند آموزی آسان کردیم. پس آیا پند گیرنده‌ای هست؟ از فحوای این آیه متبرکه‌که چنین استفاده بعمل می‌آید که سهولت در کلام، خود عاملی است برای یادگیری آسان و مقبولیت در سخن و لذا قرآن دستور می‌دهد را با آسانی ادا کنید: « **فقل لهم قولا میسورا** » (**سوره اسراء** ، آیات ۱۷ / ۲۸) (و با ایشان با ملایمت سخن بگو.)

لغو نبودن کلام: ششمین نقطه در تاثیر گزاری کلام لغو نبودن کلام است، این بدین معنی است که آن کلام قابل اعتنا نباشد. همان سخنی که از روی فکر و تأمل صادر نشود که به منزله صدای گنجشکان است. و گاه به هر کلام قبیح نیز لغو گفته می‌شود.

قرآن عظیم الشان در اوصاف بهشت میفرماید: « **لا یسمعون فیها لغوا و لا کذابا** » (سوره نبا، ۷۸ / ۳۵) در آنجا نه بیهوده‌ای شنوند و نه یکدیگر را تکذیب کنند.

همچنین در اوصاف مؤمنان می‌خوانیم: « **و الذین هم عن اللغو معرضون** » (مؤمنون، ۲۳ / ۳) آنان که از سخن بیهوده رویگردانند.

از موارد استعمال کلمه لغو می‌توان چنین نتیجه گرفت که یکی از آداب سخن آن است که کلام، همراه با نوعی فکر و مقبولیت باید ادا و صورت گیرد.

معروف بودن کلام: هفتمین نقطه در تاثیر گزاری کلام معروف بودن کلام است. برای هر کاری که بواسطه عقل یا شرع، حسنش شناخته شده باشد و منکر آن است که به واسطه این دو مورد انکار قرار گرفته باشد.

معروف گاه صفت فعل قرار می‌گیرد، آن گونه که از آیه « **و أمر بالعرف** » (اعراف، ۷ / ۱۹۹) فهمیده می‌شود. و گاه صفت کلام قرار می‌گیرد. یعنی یکی از آداب سخن آن است که کلام متکلم باید از نظر عقل و شرع تحسین شده باشد. آن گونه که از آیات « **و قلن قولا معروفا** » (احزاب، ۳۳ / ۳۲) و « **قول معروف** » (محمد، ۴۷ / ۲۱) فهمیده می‌شود.

حسن مطلع و حسن ختام: هشتمین نقطه در تاثیر گزاری کلام حسن مطلع و حسن ختام کلام است، این بدین معنی است که آغاز سخن و انجام سخن و کلام باید با نام پروردگار باشد. المانی‌ها مثل معروف دارد که می‌گویند: (آخرش اگر خوب باشد این بدین معنی است که همه اش خوب بود.)

هموطنان و خواننده گان گرامی!

درین ارتباط به جاء بود تا تماس های درمورد شخص نیک نگر (اوپتیست) و طرق تعبیر و افاده های خوشبینانه مثبت آن و شخص بد نگر (پسیمیست) و افاده های بدبینانه و منفی آن میداشتم. اما جهت طول بحث از آن خود داری میکنم.

همچنان تأکید میدارم که بخش از سفارش های و رهنمایی های فوق دقیقا به شرایط خاص وضعیت، طرف و حالت متقابل، سطح برداشت و اندازه و توان آخذ و کفایت و فهم طرفین، وضع موجود و و دهها موارد و شروط با تشخیص مشخص از وضع فرق کرده میتواند که باید حین افاده ها و اظهارات جدا به صورت انفرادی نیز در نظر گرفته خواهد شد.

نام مقاله : آداب صحبت

تتبع و نگارش: امین الدین « سعیدی- سعید افغانی »
مدیر مرکز مطالعات ستراتیژیکی افغان و مسول مرکز فرهنگی دحق لاره - جرمنی